

# امام صادق (ع)

## از دید گاه دیگران

مسیرهای منحرف قرار می‌گیرد و راه‌های ناهموار را برای دور شدن از حقایق مکتب اهل بیت پیش می‌گیرد و بجای اینکه نسلها در آینه او بنگرند، او در آینه دیگران می‌نگرد و در نتیجه امانت و حقیقت خود را از دست می‌دهد. وگرنه چرا تاریخ نگاران - جزعه معدودی - درباره برخی شخصیت‌های بی ارزش قلم فرسایی می‌کنند ولی شرح حال امام صادق «ع» را که هر بخش آن کتابی مستقل است، نادیده می‌گیرند و تاریخ نویس بزرگی مانند «ابن کثیر» به همین بسنده می‌کنند که در کتاب تاریخ خود بنویسد: «در سال ۱۴۸ هجری، (امام) جعفر صادق از دنیا رفت!»

ولی علی رغم همه نعصب‌ها و گروه‌گرایی‌ها و سکوت یا انحرافی که در تاریخ دیده می‌شود، بسیاری از اندیشمندان اسلامی زندگی امام صادق «ع» را مورد بررسی قرار داده‌اند و با اینکه در این بررسی‌ها بیشتر آنها راه احتیاط و کتمان حق را پیمودند و کمتر از میرزهای ترس و گروه‌گرایی گذشتند، با این حال در مقام بیان فضیلت امام صادق «ع»، حقیقت‌های زیادی را آشکار ساختند. پس چه بهتر که مقدمه را قطع کنیم و به سخنان برخی از آنان گوش فرادهم:

«ابوحنیفه گوید:

«فقیه‌تر از جعفر بن محمد نیافتم. هنگامی که منصور او را به اینجا آورد، مرا طلبید و به من گفت: ای ابوحنیفه! مردم دل‌باخته جعفر بن محمد شده‌اند. من از تومی خواهم مشوالمهای دشواری را برای او آماده کنی! من هم چهل سؤال مشکل را برای پرسش از او آماده ساختم. پس از آن منصور به دنبال من فرستاد. من به «حیره» آمدم و بر او وارد شدم، دیدم جعفر بن محمد در طرف راست او

۱۲ تیرماه امسال مصادف است با سالروز شهادت ششمین اختر تابناک ولایت و امامت، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام.

گرچه این امام بزرگوار، دوران زندگی خود را، چه در عهد امویان و چه در عهد عباسیان به سختی و دشواری گذراند و همواره ناظر فروریختن مصیبت‌ها و بلاها بر سر یاران و پیروان و خویشان خود بود ولی با این حال همان چندسال بهروزی و خوش اقبالی که از احتضار و مرگ حکومت امویان تا به رشد رسیدن حکومت عباسیان، ادامه داشت، فرصتی طلایی برای امام بدست آمد که برای بازگشایی درهای مکتب افتخار آفرین اسلام محمدی قیام کند و مردم را به وظایف خویش آگاه سازد و احکام و دستوره‌های الهی را بخش و نشر نماید و علوم آل بیت را به همگان برساند. و این آوازه بلندی که امام ششم صلوات الله علیه در نزد بیگانگان نیز دارند، نتیجه همین چندسال است که تا اندازه‌ای آزادی داشتند و نتوانستند فطره‌ای از دریای بیکران علم و دانش خود را به دیگران افاضه نمایند و لذا رواست که سخنان دیگران را درباره امام صادق «ع» بازگو نمائیم چه‌ماکه افتخار انتساب و محبت به خاندان عصمت و طهارت داریم، امام صادق «ع» را مانند دیگر امامان و پیشوایان مذهب، معصوم و مبرا از هر عیب و نقص می‌دانیم و معتقدیم آنان مانند جد بزرگوارشان پیامبر بزرگ اسلام «ص» از سوی خداوند به این منصب الهی، منصوب شده‌اند و آنان - بی‌گمان - شایسته‌ترین انسانها برای نگهداری دین و بافضیلت‌ترین بندگان حق‌اند.

باز هم برای چندمین بار، تاریخ تاریک را زیر سؤال می‌بریم که چرا رویدادهای دوران امام صادق «ع» را آنچنان که هست برای ما بازگو نمی‌کند و تحت تأثیر، بازیهای سیاسی قدرتمندان غاصب، در

نشسته است. هنگامی که به او نظاره کردم، آنچنان هیبت و جلال جعفر بن محمد مرا فراگرفت که هیچگاه از منصور چنین هیبتی نیافته بودم. بر او سلام کردم، به من اشاره کرد، نشستم. از آن پس رو به ایشان نموده عرض کرد: یا ابا عبدالله! این ابوحنیفه است! جعفر فرمود: آری! (یعنی شناختم)

پس از آن منصور رو به من کرد و گفت: ای ابوحنیفه آنچه سؤال داری از ابا عبدالله بپرس؟ من هم شروع به پرسیدن کردم و او هر بار پاسخ می داد، می فرمود: شماها چنین می گویند، اهل مدینه چنان می گویند و ما چنین می گوئیم. خلاصه، گاهی بامام جواب بود و گاهی هم باهمه مخالفت می کرد تا اینکه تمام چهل سئوالی که آماده کرد، بودم، تمام شد و او همه را پاسخ گفت.

(آنگاه ابوحنیفه چنین ادامه می دهد): «ومگر ما روایت نکرده بودیم که اعلم مردم کسی است که به نظرهای گوناگون مردم، آگاهی و اطلاع بیشتر دارد؟»

(تذکره الحفاظ ذهبی - ج ۱ - ص ۱۵۷)

• مالک بن انس، رئیس مذهب مالکی چنین گوید:

«مدتی با جعفر بن محمد معاشرت داشتم؛ هرگز او را نیافتم مگر در یکی از سه حالت: یا نماز می خواند و یا روزه دار بود و یا قرآن را تلاوت می کرد... او از علمای پارسانی بود که از خداوند می ترسند.»

(کتاب مالک نوشته محمد ابوزهره - ص ۲۸)

«هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده، افضل از جعفر بن محمد الصادق از نظر دانش و پارسانی و عبادت.»

(کتاب توشل ووشله ابن تیمیه - ص ۵۲)

• ابن حجر عسقلانی گوید:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، راستگوترین فقیهان است.»

(تقریب التهذیب - ص ۶۸)

• عمرو بن عبید از سران معتزله خطاب به امام گوید:

«مرگ برآنان که میراث شما را ربودند و باشما در دانش و فضیلت منازعه کردند.»

(کتاب «الامام الصادق» نوشته رمضان لاوند - ص ۲۰)

• ابن حجر هیثمی گوید:

مردم پیوسته از دانش ها و علوم جعفر الصادق نقل کردند و به اطراف روانه شدند و شهرت او تمام آفاق را پرکرد. امامان بزرگ

مانند یحیی بن سعید و ابن جریج و مالک و سفیان ها و ابوحنیفه و شعبه و ایوب سجستانی از او نقل کردند.»

(الضواغق المحرقة ابن حجر - ص ۱۲۰)

• ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله گوید:

«جعفر بن محمد، امام به حق ناطق و کسی که رهبری و پیشوایی را به ارث برده است. جعفر بن محمد الصادق، به پرستش و خضوع در دربار الهی روی آورد و عزلت و کناره گیری (از ریاست) را برگزید...»

(حلیة الاولیا - ج ۳ - ص ۱۹۲)

• ابن خلکان گوید:

«ابوعبدالله جعفر فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب، یکی از دوازده امام است، طبق عقیده شیعه امامیه. او از مهتران و سادات اهل بیت بود. او را صادق لقب دادند زیرا راستگویی و فضیلت او مشهورتر از این است که یادآوری شود.»

(وفیات الاعیان)

• ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی گوید:

«جعفر بن محمد الصادق دارای دانشی بسیار و ادبی کامل و چشم پوشی نی در دنیا و پارسانی و ورعی از تمام شهوتها است. او مدتی در مدینه اقامت گزید که به شیعیان و پیروان خودش درسهائی داد و از اسرار نهان دانش ها بر آنها افاضه نمود، پس از آن وارد عراق شد و مدتی هم در آنجا سکونت داشت. او هرگز متعرض ریاست نشد و نسبت به خلافت با کسی منازعه نداشت!! وهمانا کسی که در دریای شناخت غوطه ور است، هیچگاه در رود کوچکی غرق نمی شود و هر که بر فراز حقیقت بالا رفت، از افتادن نمی هراسد.»

(ملل و نحل - ج ۱ - ص ۲۷۲)

• منصور دوانیقی، سرسخت ترین دشمنان امام و قاتل آن حضرت، گوید:

«جعفر از کسانی است که خداوند درباره او فرمود: «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عباده» آری! او از کسانی است که خداوند آنان را برگزید و از کسانی است که در خیرات، بر دیگران پیشی و سبقت گرفت. وهمانا هیچ اهل بیته نیست مگر اینکه در بین آنان حدیث کننده ای باشد و حدیث کننده ما امروز جعفر بن محمد است.»

(تاریخ یعقوبی - ج ۳ - ص ۱۷۷ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ - ص ۳۰۲)

### • ابن ابی العوجاء گوید:

«این بشر نیست. اگر در دنیا کسی باشد که هرگاه بخواهد روحانی و ملکوتی شود و هرگاه بخواهد از آن حالت روحی به درآید، این است.»

(الامام الصادق والمذاهب الاربعه - ج ۱ - ص ۵۱)

### • عبدالرحمن بسطامی گوید:

«دانشمندان بردرخانه جعفر بن محمد صف کشیدند و از چراغ درخشان انوارش، برگزیدگان بهره گرفتند. او به اسرار نهفته و دانشهای راستین سخن می گفت درحالی که بیش از هفت سال از عمرش نمی گذشت.»

(مناهج التوسل - ص ۱۰۶)

### • ابن الجوزی، عبدالرحمن گوید:

«عبادت و نیایش پروردگار، جعفر بن محمد را از ریاستخواهی بازداشته بود.»

(صفوة الصفوة - ج ۲ - ص ۶۱)

### • ابوخرجا حفظ گوید:

«دانش و فقه جعفر بن محمد، سراسر گیتی را فراگرفت. گفته شده است که ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او بودند و همین بس است که شخصیت والای علمی او را تایید نماید.»

(رسائل الجاحظ سندوفی - ص ۱۰۶)

### • کمال الدین، محمد بن طلحه شافعی گوید:

«جعفر بن محمد از علما و سادات اهل بیت است. او دارای دانشهایی بسیار، عبادتی پیوسته، اوراد و اذکاری دائمی، زهدی روشن و تلاوت قرآنی متوالی است. معانی قرآن را در تئال می کند و از دریای بی کرانش، گوهرهایی گرانبها استخراج می نماید و به

### شگفتیهایش پی می برد.

او همواره اوقات خود را بر فرائض و واجبات تقسیم می کرد تاخویشتن را بر آنها محاسبه و بازخواست نماید. دیداروی انسان را به یاد آخرت می اندازد و استماع سخنانش زهد در دنیا را به انسان عطا می کند، و پیروی از دستورها و اوامرش موجب بهشت می شود. نورنمایان در چهره اش گواه است که او از سلاله پیامبر است و پاکی و نزاهت کردارش، شهادت می دهد که از خاندان رسالت است.»

### • جمال الدین، ابوالمحاسن گوید:

«جعفر صادق فرزند محمد باقر؛ امام، سید، ابوعبدالله، هاشمی، علوی، حسینی و مدنی است. او را صابر و قاضل و طاهر لقب بود ولی مشهورترین القابش، صادق است.»

(النجوم الزاهرة - ج ۲ - ص ۸)

### • آلوسی، مفتی بغداد، گوید:

«این ابوحنیفه است که از اهل سنت می باشد، با بلیغ ترین و فصیحترین بیان اعلام می دارد: اگر آن دوسال نبود، نعمان هلاک می شد. یعنی آن دوسال که در محضر امام جعفر صادق دانش آموخت.»

(تحفه اثنی عشریه - ص ۸)

### • دکتر احمد امین، نویسنده فجر الاسلام گوید:

«امام جعفر صادق، بزرگترین شخصیتهای مذهبی تشیع در آن زمان بود بلکه شاید عظیمترین و والاترین شخصیتهای شیعه در دوران های گوناگون باشد. و در یک کلام، امام جعفر از بزرگترین شخصیتها در زمان خود و بعد از خود بود.»

(الامام الصادق نوشته اسد حیدر - ج ۱ - ص ۶۲)

امام صادق علیه السلام:

مؤمن کیست؟

الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْتَبُهُ، وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَصَحَّتْ سِرْبَتُهُ، وَأَنْفَقَ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفُضْلَ مِنْ كَلَامِهِ، وَكَفَى النَّاسَ شَرًّا، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ.

(اصول کافی - جلد ۲ - ص ۲۳۵)

مؤمن کسی است که کسبش حلال، اخلاقش نیکو و باطنش سالم باشد، زیادی مالش را (در راه خداوند) انفاق نموده و از سخن زیادی و بیهوده خودداری نماید، مردم را از شر خویش محفوظ داشته و با انصاف با آنان رفتار نماید.